رفراندوم؛

برگی از اوراق خاطراتم!

قسمت نوزدهم

محمد رجبی

ادامه سخنرانی امام
(صحیفه نور، جلد ۱)
هشدار به سران کشورهای اسلامی

نباید سران ممالک اسلامی، روسای جمهور، سلاطین اسلام، وزرای ممالک اسلامی، نمایندگان مجالس ممالک اسلامی، نباید متنبه بشوند؟ واقعاً این‌ها نمی‌دانند مطلب را؟ یا می‌دانند و حب جاه و حب مقام آنها را وادار می‌کند که مطابق «دستورات» عمل کنند؟ شما آقایان باور می‌کنید که آن‌هایی که از مجاری امور مطلع هستند، یا دعوای اطلاع می‌کنند، این مطلب سطحی را که یک سید خمینی فهمیده است، آنها نفهمیده باشند؟! شما احتمال می‌دهید این معنا را؟! اگر فهمیده باشند- خدای‌نخواسته- یا مجذوب هستند و یا ترس در کار است. چرا باید بترسند؟ برای اینکه این‌ها را دسته‌دسته کرده‌اند. دولت عثمانی به آن عرض و طول را حالا چند تا دولت کرده‌اند، همه کوچک، کوچک، کوچک. ملت‌های بیچاره را، این ملت انبوه چند صدمیلیونی را، در تحت اسارت یک عده از خدا بی‌خبر قرار داده‌اند و آنها، آنها را استعمار می‌کنند و این سران ممالک، ملت خودشان را بیچاره می‌کنند. نباید این دوَل اسلامی از خواب بیدار بشوند؟ از اسلام چه بدی دیده‌اند این‌ها؟ یک نیرنگ بزرگی که از غرب سرازیر شده است و دوَل اسلامی را تحت نفوذ قرار داده است، یا اینکه تطمیع کرده است یا تهدید کرده است؛ و این را در مطالب‌مان می‌بینیم، در مجلات می‌بینیم، در تبلیغاتشان، در رادیوهایشان.

قضیه نژادبازی

آن چیز مهمی که دول اسلامی را بیچاره کرده است و از ظل قرآن کریم دور می‌کند، آن قضیه نژادبازی است. این نژاد ترک است، باید نمازش را هم ترکی بخواند! این نژاد ایران است باید الفبایش هم چه جور باشد! آن نژاد عرب است، عروبت باید حکومت کند نه اسلام! نژاد آریایی باید حکومت کند نه اسلام! نژاد ترک باید حکومت کند نه اسلام! این نژادپرستی که در بین آقایان حالا دارد رشد پیدا می‌کند و زیاد می‌شود و دامن می‌زنند به آن تا ببینیم به کجا برسد. این نژادپرستی که یک مسئله بچگانه است در نظر و مثل اینکه بچه‌ها را بازی می‌دهند، سران دول را دارند بازی می‌دهند: آقا تو ایرانی هستی! آقا تو ترک هستی! آقا تو نمی‌دانم اندونزی هستی! آقا تو چه هستی! آقا تو کجایی هستی! باید مملکت خودمان را چه بکنیم! غافل از آن نکته اتکایی که همه مسلمین داشتند. افسوس! افسوس! که این نکته -نقطه- اتکا را از مسلمین گرفتند و می‌گیرند و نمی‌دانم به کجا خواهد منتهی شد. همین نژادبازی که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید و ما بین سیاه و ما بین سفید، ما بین ترک و ما بین عجم، ما بین عرب و ما بین غیر عرب هیچ فرقی نگذاشت و فقط میزان را تقوا، میزان را از خدا ترسیدن، تقوای واقعی، تقوای سیاسی، تقواهای مادی، تقواهای معنوی، میزان را این‌طور قرارداد انَّ اکرَمَکمْ عِنْدَ اللهِ اتقیکمْ. «۳» ترک و فارس ندارد، عرب و عجم ندارد، اسلام نقطه اتکاست. قضیه نژادبازی یک ارتجاعی است. آقایان ماها را مرتجع می‌دانند! لکن دارند به ۲۵۰۰ سال قبل -قهقرا- برمی‌گردند؛ ما مرتجعیم؟!

غفلت دولت‌های اسلامی

چرا باید دول اسلامی غافل باشند از این معانی؟ چرا باید در داخله هر مملکتی این نحو انقلابات ایجاد بشود؟ چرا باید صف‌بندی بشود بین ممالک اسلامی؟ این‌ها «اتحاد سه‌جانبه» درست کنند در مقابل آنها، آنها اتحاد دیگری درست کنند در مقابل این‌ها، «وَ کُلٌّ یَلْعَنُ الْآخَر». «۴» از خواب نباید بیدار بشوند؟ سلاطین اسلام که خودشان را چه می‌دانند و چه می‌دانند، نباید توجه به این معانی پیدا کنند؟ روسای جمهور اسلام که ممالک اسلامی را آن نحوه قبضه کرده‌اند، نباید تنبه پیدا بکنند؟

استعمار، عامل جنگ بین مسلمین

این مطالب که من عرض می‌کنم، یک مطالب حرف‌هایی که همه‌اش منطقی است، قاچاق است! ازاینجاکه این آقایان بیرون بروند معلوم نیست کدام‌شان را خواهند گرفت، کدامشان را خواهند سلامت گذاشت. این ضبط‌صوت‌ها معلوم نیست کجا ضبط بشود. اینکه دیگر به کسی حرف زدن نیست؛ اینکه راجع به مصالح اسلام و مسلمین است؛ اینکه دیگر دعوای با شخص نیست، با همه است. این دعوا نیست؛ این نصیحت است؛ این خیرخواهی است؛ خدا می‌داند خیر شما را ما می‌خواهیم. خوب به ما هم یک دستگاه فرستنده بدهید؛ اجازه بدهید مسلمینْ خودشان یک دستگاه فرستنده درست کنند، من ضامن می‌شوم که برخلاف صلاح شما -خیلی- نباشد. بله برخلاف صلاح ارباب بزرگ‌ها هست و نمی‌گذارند؛ نخواهند گذاشت. اینجا باید «بدتر از یهودی» «۶» تلویزیون داشته باشد و هر طور دلش می‌خواهد تبلیغات بکند لکن تبلیغات ما آزاد نیست؛ «نمی‌شود؛ این مرتجعین نباید حرف بزنند»! آقا! کجایش ارتجاع است؟

اتحاد ملت اسلام

خوب ما می‌گوییم که شما با هم؛ همه مسلمین با هم؛ ما نه با آن یکیش روابطی داریم نه با شما روابطی داریم؛ نه با آن یکی و ما با همه روابط داریم؛ ما همه شما را عَلَی السَّواء نگاه می‌کنیم؛ و همه مسلمین در نظر ما اگر چنانچه عمل به احکام اسلام بکنند عزیزند. ما ملت اسلام را، ترکش باشد، عربش باشد، عجمش باشد -از هر ملت- آفریقا باشد، آمریکا باشد، هر جا می‌خواهد باشد، ما ملت اسلام را عزیز می‌داریم. ما می‌گوییم آقا دست‌به‌دست هم بدهید؛ شما یک جبهه ثلاثه درست نکنید و پیوند بکنید با اسرائیل در مقابل اتحاد آنها، آنها هم یک اتحاد درست نکنند در مقابل شما؛ همه با هم متحد بشوید؛ همه مسلمانید، اتکای شما به قرآن باشد. آقا! شما قرآن را نمی‌دانید چه هست؛ همین تو جیب‌شان گذاشته‌اند! من توی جیبم قرآن نیست، لکن مأمورین همه تو جیب‌شان قرآن است! کاسه از آش گرم‌تر است! تو اعتقاد به قرآن داری؟! تو فقط می‌خواهی مرا بازی بدهی. تا صحبت می‌شود، آقا قرآن درمی‌آورد؛ از بالا یک قرآن نشان می‌دهد. شما قرآن را جیب گذاشتید، می‌خواهید قرآن از بین برود.

استعمار در فکر غارت ذخایر مسلمین

این حرف‌هایی که ما می‌زنیم ارتجاع است؟ اینکه ما می‌گوییم که همه شما با هم متحد باشید، نگذارید این ذخایرتان را از بین ببرند؟ بالاتر از آن ذخایر تحت‌الارضی، این ذخایر فوق الارضی است، این جوان‌های ماست. آقا، جوان‌های ما را دارند می‌برند خدا می‌داند؛ جوان‌های دول اسلامی را دارند می‌برند. یک دسته آمریکاست و یک دسته نمی‌دانم کجاست و یک دسته کجاست؛ و یک دسته دیگری هم الان دارند به اسرائیل می‌روند. الان در منزل من موجود است آن مجله دانشجویان، سازمان دانشجویان ایران در اسرائیل. الان موجود است. آقا، این ذخایر ما این جوان‌ها هستند. این جوان‌های ما را دارند اغفال می‌کنند؛ دارند به آنها تزریق می‌کنند که هر بدبختی شما دارید از اسلام است. شما کجای اسلام را دیدید که می‌گویید بدبختی از اسلام است؟ شما مسلمین را اینجا دیدید که یک مردم فقیر گدای بیچاره، هی داد می‌زنند که الحمدالله یک نفر هم سر گرسنه، دیگر به خواب نمی‌رود. الحمدالله امیدوارم این‌جور باشد لکن این کلام واقعیت را تغییر می‌دهد؟ این کلام، حرف‌هایی که در چند وقت پیش‌ازاین در اطلاعات نوشته بود -و اطلاعات هم که سند رسمی شماست-راجع به بنادر جنوب نوشته بود، این واقعیت را تغییر می‌دهد؟ این که تغییر نمی‌دهد این‌ها را! این دانشجوهای بیچاره ما، اینجا را که دیدند، دیدند که مسلمین، گرسنه و بیچاره و بدبخت، مساجدشان خراب، نمی‌دانم معابدشان چطور، کذا، وقتی که وارد آمریکا می‌شوند، یک کلیسا می‌روند می‌بینند که تمامْ منظم، مرتب، همه‌چیز آن درست؛ خیال می‌کنند که احکام انجیل و توراتْ، این‌ها را به این حد رسانده و احکام اسلام این‌ها را عقب نشانده.

عامل عقب‌ماندگی مسلمانان

خیر آقا، دول اسلامی، ما را این‌جور کرده؛ دولت‌های اسلامی، بیچاره‌های غافل شده، ما را به این روز نشانده‌اند. اسلام را این‌جوری معرفی می‌کنند. اسلام یک وقتی بود که نصف دنیا را گرفته بود و می‌رفت جلو. شما این کتاب گوستاولوبون را بخوانید؛ «۷» تمدن اسلام را؛ او رفته است تمدن اسلام را از چشم مادی نگاه می‌کند، او اصلاً نمی‌فهمد اسلام یعنی چه؛ اعتقاد هم نه به مسیح دارد و نه به اسلام؛ او تمدن را عبارت از این ستون‌ها می‌داند. چنانچه بچه‌های ما هم این‌طوری خیال کردند هست. وقتی می‌روید می‌بینید که آنجا بله یک تشریفات زیاد و واتیکان کذا و کجا کذا، مساجد ما خراب و بیچاره؛ خیال می‌کنید این‌ها از اسلام است. خیر آقا، این‌ها از سران اسلام است؛ این‌ها از اسلام نیست. سران اسلام که در تحت سیطره مستعمرین واقع شده‌اند ما را به این روز نشانده‌اند؛ ذخایر ما را به دیگران تحویل دادند و ما بدبخت و بیچاره و گرسنه ماندیم.

مقایسه مسیحیت و اسلام

آنجا روسای بزرگ جمهور یکشنبه می‌روند -آن‌طور که گفته می‌شود- سراغ مراسم مذهبی‌شان؛ اینجا شما یک نفر از این‌ها را در مسجد می‌بینید؟ می‌شود پیدایشان کرد؟ از این روسای ما یک‌وقت تو مسجد پیدا می‌شود؟ بله گاهی وقت‌ها پدرش می‌میرد، برادرش می‌میرد، چه می‌شود، یک عبوری هم ازاینجا می‌کند، با تبختر و کذا! اما مسجد نیست اینکه. در نمازْ این‌ها حاضر می‌شوند؟ آنها روسای جمهورشان در نماز هم حاضر می‌شوند، سلاطین‌شان هم حاضر می‌شوند، آنها مراسم مذهبی‌شان، -آن مذهبی که- هیچی ندارد. آقایان خیال می‌کنند مذهب مسیحْ آنی است که حالا دست ماست؛ البته در زمان خودش درست بوده؛ اینکه الان دست ماست از مذهب مسیح و از احکام مسیح، خوب ببینند؛ ببینند این دانشجویان، ببینند آن چیست و قرآن چیست. احکام مسیح را ببینند چیست، احکام اسلام را ببینید چیست. احکام اسلامی که کرورها، «۸» میلیون‌ها حکم اسلام دارد برای هر چیزی. تصورْ شما نمی‌توانید بکنید، یک‌چیزی در عالَم، یک واقعه‌ای در عالَم، اتفاق بیفتد اسلام نداشته باشد حکم؛ حکمش بالای سرش است. یک همچو اسلامی که الان هم هر حادثه‌ای اتفاق بیفتد حکمش را دارد، این یک مذهبی است که کهنه‌پرستی است و عقب‌افتادگی است و بدبختی‌ها از اسلام است؟! بدبختی‌ها از این روسای اسلام است، این روسای بیچاره، این سران دول بیچاره؛ که توجه ندارند به مصالح خودشان یا نمی‌خواهند توجه داشته باشند. این‌هاست که ما را بدبخت کرده است؛ این‌هاست که روز سیاه برای مسلمین درست کرده است. باز هم رها نمی‌کنند؛ باز هم در هر واقعه‌ای که اتفاق می‌افتد یک بساطی برای ما درست می‌کنند.

ایستادگی شرق در برابر غرب

این‌ها راجع به اموری که مربوط به دول اسلامی است؛ و آن مقداری که من می‌توانم، به‌عنوان اینکه یک نفر معمم هستم و طلبه هستم، می‌توانم به دول اسلامی اعلام کنم؛ و امیدوارم برسد به آنها. این چیزهایی است که ضروریاتی است که این‌ها خودشان هم باید توجه داشته باشند؛ و امیدوارم که به گوش این‌ها فرو برود و یک وحدت اسلامی واقعی [پیدا کنند]. گذشت کنند از بعض شهوات خودشان و با هم دست برادری بدهند؛ تفوق از هم نکنند، با هم برادر بشوند همه مجتمعاً در مقابل غرب؛ غرب‌زده نباشند، در مقابل غرب بایستند دول شرق؛ حتی بودائی‌ها، بایستند در مقابل غرب؛ غرب را عقبش بزنند. بعد در بین خودشان یک حکومت آرام، یک اجتماع آرام؛ همه ممالک سر جای خودش باقی؛ هیچ‌کدام به هیچ‌کدام تجاوز نکنند؛ همه با هم برادر باشند. اگر غیرْ خواست به آنها تجاوز کند، همه با هم همناله بشوند و جلو بروند. اگر مسلمین با هم متحد بشوند هیچ دولتی نمی‌تواند به آنها غلبه کند. این‌ها اشتباه است که خیر، آنها چه دارند و چه دارند؛ خیر، این‌ها نیست. شما عرضه ندارید؛ شما اغفال شدید.

احزاب فرمایشی

و اما راجع به مملکت خودمان. اینکه با یک روز و دو روز نمی‌توانیم ما صحبتش را بکنیم، بدبختی‌هایی که ما در مملکت خودمان داریم. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند؛ هر دولتی هم می‌آید یک‌حزبی درست می‌کند -هر دولتی.- شما از آن‌وقت تا حالا هر چه دیدید، یکی «حزب مردم» درست می‌کند، یکی حزب چی درست می‌کند، یکی «حزب ایران نوین» درست می‌کند، یکی حزب چه. هی حزب درست می‌کنند. اصلاً در ایران حزب معنا ندارد؛ در هیچ جای دنیا؛ مگر آن‌هایی که مثل ایران هستند. مملکت یک‌حزبی اصلاً معنا ندارد، حزب زوری معنا ندارد.

سجل‌های مردم را از دهات می‌گیرند؛ رجوع کنید به این دهات ببینید سجل‌هایشان را می‌گیرند نام‌نویسی می‌کنند در حزب. این بیچاره نمی‌داند «ایران نوین» اصلاً یعنی چه! اطلاع از این ندارد، فضلا از اینکه آن اساسنامه را بفهمد؛ اصلاً نمی‌فهمد این بیچاره «اساسنامه» چیست. این بیچاره‌ها را، این بی‌دین‌ها می‌خواهند جمع کنند در یک محیطی زنده‌باد بگویند؛ فقط همین. از این جمعیت بدبخت بیچاره این معنا را می‌خواهند که اجتماع کنند، یک اجتماع انبوهی از جمعیت‌ها بشوند، بعد دنبال این‌ها بیفتند و برای‌شان هورا بکشند و زنده‌باد بگویند. از این‌ها -بیچاره- همین‌قدر می‌خواهند.

حزب واقعی در جهان امروز

آنجاهایی که حزب هست، دولت‌ها از حزب وجود پیدا می‌کنند، نه اینکه اول دولت تشکیل بشود بعد حزب درست کند! بعد اتکا به آن پیدا کند! اینجا، خوب، شما می‌بینید اول دولت درست می‌شود. دولت هم به مجلس و به من و شما هیچ ربطی ندارد. اول دولت درست می‌شود. خودشان می‌گویند، من نمی‌گویم، خودشان می‌گویند ما به امر آمدیم و به امر می‌رویم؛ غلط هم هیچ‌کس نباید بکند؛ هیچ وکیلی هم غلط نکند. نمی‌کند هم! اول دولت تشکیل می‌شود؛ بعد که دولت تشکیل شد و سرنیزه دستش آمد، شروع می‌کند حزب درست می‌کند. آن‌وقت هم یک‌حزبی است که دولت از حزب پیدا شده! دولت ما حزبی است! دولت آقایان حزبی است! آقا! این را برای کی می‌گویی؟! من آخوند می‌فهمم، دول عالم نمی‌فهمند این‌ها را؟! آنها می‌خواهند تو این‌طور باشی؛ می‌خواهند عقب‌افتاده باشی. دست بردارید آقا از این عقب‌افتادگی؛ مجد خودتان را حفظ کنید. اگر حزب می‌خواهید درست کنید، خوب، یک‌حزبی قبل از اینکه دولت شما پیش بیاید، یک‌حزبی درست کنید؛ و بعد هم حزب در مجلس، به طور[ی] که باید بشود، به‌طوری‌که قوانین اساسی و قانون اساسی و سایر قوانین اقتضا می‌کند، نماینده درست کنند؛ و بعد هم آقای وزیر، نخست‌وزیر متکی به نمایندگانی که از حزب پیدا شد و از جمعیت و از خواسته مردم و این‌ها پیدا شد؛ بعد می‌شود یک دولت متکی به حزب؛ متکی به ملت؛ اما شما اول دولتش را درست می‌کنید، اول نخست‌وزیرش درست می‌شود، بعد حزب درست می‌شود! این هم باز دولت حزبی است! این‌ها را که روزنامه‌ها نمی‌توانند بنویسند؛ شاید بخواهند بنویسند اما غلط می‌کنند بنویسند! این‌ها نمی‌توانند که بنویسند. حالا ما طلبه‌ای هستیم کاری به این‌ها نداریم، آنها کار دارند؛ بسم‌الله، دوباره حاضریم یک بساط درست می‌کنند، -بساط حزبی- این بساطی است که می‌بینید. هرروز راه می‌افتند به یکجایی از پول این ملت بیچاره. آخر این ملت گرسنه... خدا می‌داند که من گاهی وقت‌ها که به فکر می‌افتم که این آتیه ما، این زمستانِ آتیه چه خواهد شد،

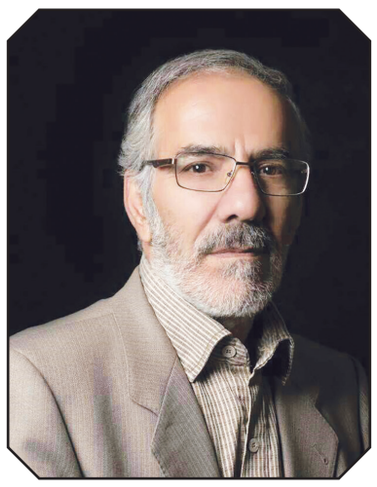

خب ناراحتم؛ ما ناراحتیم.

این‌ها امسال دیگر آیا نان دارند، ندارند؟ امسال هم که وضع خواربار خوب نیست؛ علوفه هم حتی ندارند. چه خواهد شد این زمستان سیاه به این ملت فقیر بدبخت؟ من نمی‌دانم چه خواهد شد. آیا دولت‌ها در فکر هستند که حالا که زراعت این‌ها را زمین زدند، لااقل از همان بازار سیاهی که درست شده، ازآنجا بگیرند بیاورند اینجا سیر کنند این بیچاره‌ها را؟ یا باز این‌ها شکم‌گرسنه بخوابند و گفته بشود که یک نفرْ دیگر نیست که سر گرسنه به بالین بگذارد! روزی چند نفرش پیش من می‌آیند -منی که هیچ‌کاره‌ام.-

افشای روابط رژیم شاه با اسرائیل

این وضع حزب ایران؛ آن وضع مجلس ایران که همه‌تان بهتر از من می‌دانید یا مثل من؛ آن وضع روابط با اسرائیل‌شان. هر وقت که این‌ها من را، یعنی هر وقت نه یک‌دفعه‌اش را که من را ملاقات کرد یکی از این سران قوم، گفت این اسرائیل تمام شد مسئله‌اش؛ اصلاً رفت؛ مسئله تمام شد. من نمی‌دانم چه قدرتی دارند این‌ها به خلاف واقع گفتن -همچون قدرت دارند که من متوجه را اغفال می‌کنند.- گفت اسرائیل تمام شد. بعد از آنی که اسرائیل تمام شده، الان که من اینجا نشسته‌ام برای شما صحبت می‌کنم، مزارع بسیار خوب ایران -بسیاری- در دست اسرائیل است! از ایلام به من نوشته‌اند که مزارع خوب اینجا را داده‌اند اسرائیل چغندر بکارند. تابلویی زدند به کنار جاده که مزرعه نمونه ایران و اسرائیل! این آقایانی که اسرائیل را می‌گویند ما کنار زدیم. روزنامه اسرائیل که برای من آمده است، آورده‌اند، نوشته بود به اینکه سفیر اسرائیل در ایران، در تهران! آقایان می‌گویند که ما کاری نداریم به اسرائیل! در دو روز پیش‌ازاین، سه روز پیش‌ازاین، در شانزده شهریور، در تهران، دروازه دولت، یک بساطی یهودی‌ها درست کردند: چهارصدپانصد نفر یهودی دزد دور هم جمع شده‌اند و خلاصه حرف‌شان این بوده که یک شعاری برای یکی داده‌اند، یک فحشی به یکی داده‌اند؛ آن‌وقت نوشته‌اند به اینکه مجدْ مال یهود است؛ یهود برگزیده خداست؛ ما ملتی هستیم که باید حکومت کنیم؛ نمی‌دانم چه بکنیم؛ کذا؛ ما با دیکتاتوری مخالفیم؛ ما با هیتلری مخالفیم؛ ما کذا، کذا. این‌ها هم نطق‌هایشان بوده. آقایان هم به مرئی و منظر «۹» این دولت ما، این جمعیت می‌آیند آنجا و این حرف‌ها را می‌زنند.

خوب، اگر دیکتاتوری موقوف است و مخالف است که این... خب جلوی این را بگیر دیگر؛ این کلمه را نگذار بگوید. تمام حرف برای اینکه بگویند چه کذا و یکی دیگر را فحش بدهند. عیب است از یک مملکتی اتکای به یهود. این حرفی که ما می‌زنیم خیلی حرف بدی است؟! البته تلخ است به ذائقه‌ها؛ تلخ است به ذائقه شما؛ لکن بدبختی یک مملکت اسلامی است؛ بدبختی یک مسلمینی است که اتکا پیدا بکنند یا ارتباط پیدا بکنند یا پیمان ببندند با یک دولتی که الان دشمن اسلام است و در مقابل اسلام ایستاده است و غصب کرده است فلسطین را.
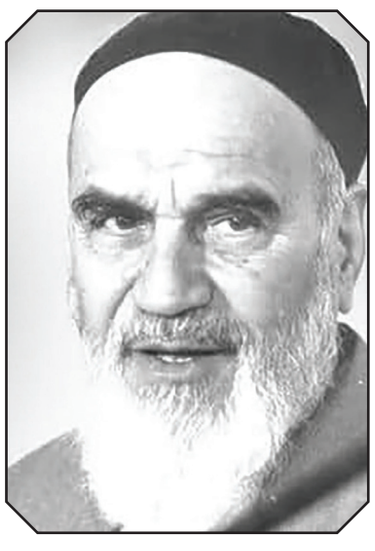
ادامه دارد...